

تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران و تأثیر آن بر همکاری‌های نفتی چین و عربستان سعودی (۲۰۰۹-۲۰۱۹)

سید علی منوری^۱، شیرین حداد زند^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

چکیده

سیاست‌های توسعه گرایانه چین، موجب افزایش نیاز این کشور به منابع انرژی شده و افزایش واردات نفت و گاز را از نقاط مختلف جهان به‌ویژه خلیج فارس در پی داشته است. این امر توجه چین را به دو ستون اصلی در تأمین انرژی در خلیج فارس یعنی ایران و عربستان جلب نموده است. با این وجود، روابط میان چین و عربستان و ایران در حوزه انرژی دارای فراز و نشیب‌های بسیار بوده؛ که دلیل اصلی آن را می‌توان در مسائل سیاسی و مسائل خاص این منطقه از جمله روابط ویژه این دو کشور با آمریکا جست‌وجو نمود. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چگونه تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۹ بر همکاری‌های نفتی چین و عربستان تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ این فرضیه با روش تکوینی بررسی می‌شود که با کاهش فرصت همکاری‌های چین و ایران در حوزه انرژی به دلیل نظام تحریم‌های آمریکا علیه ایران، همکاری‌های نفتی چین و عربستان در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۹ گسترش یافته است. تحقیق حاضر به این نتیجه رسیده که نظام تحریمی آمریکا؛ ایران قدرتمند را در حوزه اقتصادی منزوی کرده و فرصتی طلایی برای کشورهای چین و عربستان به وجود آورده تا روابط خویش را در حوزه اقتصاد، به‌ویژه انرژی تحکیم بخشند.

واژگان کلیدی: تحریم‌های آمریکا، چین، عربستان، ایران، همکاری‌های نفتی

^۱. استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

(s.a.monavari@gmail.com)

^۲. دانش آموخته رشته روابط بین‌الملل مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۱- مقدمه

با اتخاذ سیاست درهای باز در اواخر دهه ۱۹۷۰ سیاست خارجی چین از رویکرد انزوا گرایی و عدم ارتباط با دیگر کشورها خارج گردید و به‌سوی نگاهی واقع‌بینانه گام برداشت. سیاست خارجی توسعه‌گرایانه چین موجب توسعه و رشد چشم‌گیر این کشور در دهه‌های اخیر شد؛ بدین ترتیب صنایعی رشد یافتند که علاوه بر نیروی یدی به انرژی‌هایی همچون نفت و گاز احتیاج داشتند. ناکافی بودن منابع انرژی و افزایش نیازمندی به انرژی برای توسعه اقتصاد و گسترش صنایع در این کشور موجب تغییر سیاست خارجی چین نسبت به منطقه نفت‌خیز خلیج فارس شد. سیاستمداران پکن تا اواخر دهه ۱۹۹۰ توجه چندانی به این منطقه نداشتند و در حقیقت سیاست نیمه‌فعال و در برخی از مواقع غیرفعالی را در قبال منطقه بحرانی خلیج فارس اتخاذ می‌کردند؛ اما با تغییر جهت‌گیری‌ها در سیاست خارجی این کشور و گسترش اهمیت مفهوم اقتصاد موجب گشت تا پکن سیاست فعالی را در قبال این منطقه در دستور کار خود قرار دهد.

چین در ابتدای ورود خود به منطقه خلیج فارس بیشترین توجه را به‌سوی ایران نمود؛ که می‌توان دلایلی را برای اتخاذ این سیاست برشمرد. مهم‌ترین آن استقلال ایران و عدم سلطه‌پذیری از سوی غرب است. همچنین چین که به دنبال دستیابی به امنیت انرژی و به‌موازات آن تسلط انحصاری بر بازارهای انرژی بود، ایران را گزینه بهتر و مناسب‌تری قلمداد نمود؛ زیرا با وقوع انقلاب و خروج بسیاری از شرکت‌های غربی فرصتی مناسب برای چین به وجود آمد تا به اهداف خود جامعه عمل بپوشاند. از سویی، رشد اقتصادی گسترده چین و از سویی دیگر عطش این کشور به انرژی سبب گشت تا پکن از استراتژی تنوع‌بخشی بهره‌گیرد. از این‌رو پکن مبادلات محدود پیشین خود با عربستان را گسترش و روابط اقتصادی و تجاری را تحکیم بخشید؛ اما در سال‌های اخیر پکن با به‌کارگیری استراتژی تنوع‌بخشی سعی در کاهش وابستگی خود به عربستان داشته؛ زیرا حضور آمریکا و استراتژی‌های واشنگتن در خلیج فارس را زنگ خطری برای سیاست‌های خود در این منطقه قلمداد می‌نمود؛ بنابراین همواره نگران این امر بود که آمریکا استراتژی‌های جدیدی را با استفاده از مهره خود، عربستان، در خلیج فارس اعمال نماید و امنیت انرژی چین را به خطر بیندازد. چین درصدد ایجاد نوعی بالانس و تنوع‌بخشی به منابع خود در منطقه خلیج فارس برآمد و در آن دوران بحث در خصوص قرارداد برجام و امضای آن موجب ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران گردید و چین با توجه به رویکرد مستقلانه تهران درصدد گسترش بیش‌ازپیش روابط نفتی با ایران برآمد.

سیاست پیش‌گرفته از سوی پکن طولی نکشید و با خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم‌های جدید و تحریم‌های تعلیق شده از سوی آمریکا چین برای جلوگیری از مجازات‌های اعمال‌شده از سوی واشنگتن سیاست پیشین خود را کنار گذاشت. با این حساب پژوهش حاضر به دنبال آن است که نشان دهد چگونه فشارهای تحریمی علیه ایران در این سال‌ها بر رویکرد چین در زمینه تنظیم همکاری‌های نفتی با دو قطب اصلی انرژی در منطقه خلیج فارس یعنی ایران و عربستان در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۱۹ تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ این فرضیه با روش تکوینی بررسی می‌شود که با کاهش فرصت همکاری‌های چین و ایران در حوزه انرژی به دلیل نظام تحریم‌های آمریکا علیه ایران، همکاری‌های نفتی چین و عربستان در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۹ گسترش یافته است.

در این مقاله به بررسی مؤلفه‌ای از سیاست خارجی چین در قبال ایران و عربستان پرداخته می‌شود؛ با این وجود شاخص‌های بسیاری در سیاست خارجی چین تأثیر می‌گذارد که از بحث این مقاله خارج است؛ بنابراین این نوشته با مرور چارچوب مفهومی رویکرد نئومرکانتیلیسم^۱ بر پایه امنیت انرژی سعی دارد تا با بررسی شاخص‌های رویکرد نئومرکانتیلیسم به تبیین سیاست‌های پکن در قبال کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس به‌ویژه ایران و عربستان بپردازد.

چین، رویکرد نئومرکانتیلیسم به امنیت انرژی

نئومرکانتیلیسم، نظریه‌ای اقتصادی است که بیشتر منافع کشورها را از منظر اقتصادی مدنظر قرار می‌دهد. در این نظریه قدرت سیاسی برآمده از ثروت اقتصادی تلقی می‌گردد (میرترابی و ترکی، ۱۳۹۸: ۴۳۰). نئومرکانتیلیسم، یک استراتژی مناسب برای به ارمغان آوردن توسعه و امنیت ملی کشورهایی است که در عرصه بین‌الملل با وابستگی متقابل دست‌به‌گریبان هستند ((Inan, 2005: 33). از این رو مؤلفه‌های این نظریه به اهمیت ترویج رشد اقتصادی با گسترش صادرات، دنبال کردن تعادل مازاد تجارت و افزایش سطح ذخایر خارجی دولت برای دستیابی به اهداف اجتماعی یا سیاسی تأکید می‌کند (Veebel, 2015: 216).

نظریه نئومرکانتیلیسم معتقد است که نظم بین‌الملل آنارشیک بوده و این امر سبب می‌شود تا کشورها به سمت رقابت و به حداکثر رساندن قدرت نسبی برای حفظ حاکمیت و امنیت خود ترغیب شوند. (Ziegler & Menon, 2014: 19) علاوه بر آن محیط آنارشیک باعث می‌شود تا روابط میان کشورها به صورت بازی حاصل جمع صفر^۲ پایه‌ریزی شود؛ بدین معنا که سود یک‌طرف معادله، ضرر طرف دیگر را به ارمغان می‌آورد (Inan, 2005: 33). همچنین دولت‌ها بازیگر اصلی در عرصه روابط بین‌الملل هستند و تا جایی که موقعیت اقتصادی و سیاسی آنان در نظم بین‌الملل اجازه دهد؛ در تنظیم و مداخله در حوزه اقتصاد به فعالیت می‌پردازند (Rasmussen, 2017: 19) و از هر وسیله‌ای برای تغییر بازی حاصل جمع صفر به نفع خود بهره می‌گیرند.

دخالت دولت در بازارهای انرژی یکی از مؤلفه‌های اصلی نظریه نئومرکانتیلیسم است؛ زیرا انرژی از جمله مواردی است که اختلال در مبادلات آن تبعات جبران‌ناپذیری را با خود به همراه دارد؛ به همین سبب توجیه مداخله دولت در این بازار به سادگی امکان‌پذیر است (ملکی، ۱۳۹۶: ۳۴). مداخلات دولت در بازار انرژی؛ به‌طور معمول از طریق شرکت‌های دولتی صورت می‌پذیرد که می‌توان آن را یکی از ویژگی‌های برجسته رویکرد نئومرکانتیلیستی در نظر گرفت.

در مباحث مربوط به امنیت انرژی، هرگونه اختلال فیزیکی در عرضه انرژی به‌طور جدی فعالیت‌های اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو کشورها به دنبال عرضه مطمئن انرژی هستند و با به‌کارگیری مؤلفه ترمیم‌پذیری و بهره‌گیری از ابزارهای راهبردی از جمله «تنوع‌بخشی» سعی در دستیابی به امنیت انرژی دارند. بدین ترتیب، می‌توان بیان داشت که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد نئومرکانتیلیستی در جهت دستیابی به انرژی؛ استفاده از استراتژی «تنوع‌بخشی» است. برای تبیین دقیق جایگاه انرژی در این نظریه، مؤلفه‌های رویکرد نئومرکانتیلیسم بر پایه امنیت انرژی را می‌توان به شرح ذیل مطرح کرد:

1. Neomercantilism

2. Zero-sum game

- مداخلات دولت در حوزه تأمین انرژی و حضور فعال شرکت‌های دولتی در بازار انرژی جهان؛
- تنوع‌بخشی به منابع و مسیرهای عرضه انرژی؛
- پیگیری سیاست رقابتی و امنیتی در حوزه تأمین انرژی و اتخاذ سیاست‌های حفاظتی در برابر اختلال‌های احتمالی در عرضه انرژی؛
- تلاش برای قابل پرداخت کردن بهای انرژی وارداتی از طریق سرمایه‌گذاری گسترده در کشورهای نفت‌خیز (میرترابی و ترکی، ۱۳۹۸: ۴۳۵).

بدین ترتیب، در جمع‌بندی مباحث نظری که تاکنون بیان شد می‌توان گفت که بر اساس نظریه نئومرکانتیلیسم، رقابت قدرت‌های جهانی در حوزه اقتصاد و انرژی ناپایدار است زیرا هر یک از رقبای به دنبال کسب برتری بر دیگری هستند. از این رو، اطمینان از موفقیت اقتصادی تنها با ایجاد مزیت‌های رقابتی چشمگیر قابل دستیابی است (اسمیت و دیگران، ۲۰۱۰: ۲۷۳-۲۷۴) و اختلالات فیزیکی در عرضه انرژی از جمله اختلال عرضه مرتبط با تحریم‌ها به‌طور جدی فعالیت‌های اقتصادی کشورها را با موانع بسیار روبه‌رو می‌کند. در همین راستا مقاله فوق نشان می‌دهد که چین چگونه با بهره‌گیری از این نظریه روابط خود با کشورهای دارای انرژی را پایه‌ریزی می‌کند. آنچه برای کشورهایی همچون چین که سیاست نئومرکانتیلیستی را در پیش گرفته‌اند حائز اهمیت است دستیابی به امنیت عرضه هست؛ پکن با به‌کارگیری مؤلفه ترمیم‌پذیری و به‌کارگیری ابزارهای راهبردی از جمله «متنوع‌سازی» سعی بر آن دارد که با اختلال در عرضه مقابله کند. از این رو احساس آسیب‌پذیری در زمینه انرژی سبب گشت تا پکن در قبال کشورهای حاشیه خلیج فارس؛ یک استراتژی سه وجهی را دنبال کند که عبارت است از: ۱- به‌کارگیری دیپلماسی فعال برای برقراری اتصالات زیربنایی با کشورهای دارنده انرژی برای تضمین عرضه بلندمدت ۲- فراهم آوردن شرایط لازم برای حضور شرکت‌های چینی در سرمایه‌گذاری و توسعه میدان‌های نفت این منطقه ۳- تشویق سرمایه‌گذاری متقابل شرکت‌های نفتی کشورهای خاورمیانه در بخش‌های پالایشگاهی و بازار انرژی چین (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۵: ۸۴)؛ بنابراین حلقه گمشده در گسترش روابط اقتصادی پکن-ریاض به موازات اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران را می‌توان در مؤلفه‌های رویکرد نئومرکانتیلیسم در سیاست خارجی چین در جهت دستیابی به امنیت انرژی جست‌وجو کرد.

۲- تاریخچه همکاری‌های دوجانبه چین و عربستان در حوزه انرژی

در جولای ۱۹۹۰، پس از به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین از سوی عربستان، چین و عربستان اعلامیه رسمی با یکدیگر امضا کردند و از برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور خبر دادند. با آغاز روابط دیپلماتیک بازدید دو کشور مذکور افزایش بی‌سابقه‌ای یافت؛ به‌گونه‌ای که بین سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۱ بیش از ۱۹ مبادله، بازدید و نشست دیپلماتیک داشتند (Consulate-General of the People's Republic of China in Jeddah, 2004). در حقیقت هر دو کشور با افزایش ملاقات درصدد دستیابی به شریکی مطمئن بودند؛ تا به منافع ملی خود دست یابند.

در اکتبر ۱۹۹۹، به دنبال اولین سفر رئیس‌جمهور چین، جیانگ زمین^۱ به عربستان وی با پادشاه فهد بن عبدالعزیز^۲ و ولیعهد عبدالله بن عبدالعزیز^۳ دیدار کرد؛ که این دیدار به امضای توافق‌نامه‌ای در جهت تقویت «تفاهم متقابل، گسترش زمینه‌های مشترک، تعمیق دوستی و ارتقا همکاری» منجر گشت. این توافق‌نامه سبب همکاری‌های گسترده در زمینه‌های آموزش، اخبار، نفت و سایر زمینه‌ها شد (Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, n.d). همچنین در طی سفر مذکور، دو کشور توافق‌نامه‌ای در زمینه «همکاری استراتژیک نفت» به امضا رساندند. این توافق‌نامه به شرکت‌های چینی امکان سرمایه‌گذاری در بازار داخلی نفت عربستان را می‌داد و شرکت‌های عربستان امکان مشارکت در روند پالایش پایین‌دست چین را به دست آوردند (Fulton, 2016: 148).

با افزایش نیاز چین به انرژی، به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد که روابط میان چین و عربستان گسترش میابد و در حقیقت انرژی به نقطه ثقل روابط میان این دو کشور مبدل می‌گردد. بدین ترتیب تبدیل چین و عربستان به دو شریک قابل‌اعتماد را می‌توان به‌روشنی از اطمینان بخشیدن مقامات عربستان سعودی که نیاز چین برای نفت در جهت رشد و توسعه اقتصادی را تأمین می‌کنند؛ استنباط نمود (MacGillivray, 2018: 11). از این رو واردات نفت چین از عربستان از ۳۶۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۹۲ به ۱۳۵۰۰۰ بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت (Lewis, 2002: 7). همچنین به‌واسطه اهمیت روزافزون انرژی در روابط چین و عربستان، قراردادها و توافق‌نامه‌های گسترده‌ای در این حوزه میان این دو کشور به امضا رسید. روابط انرژی چین و عربستان را می‌توان به دو بخش تقسیم‌بندی کرد: ۱- مبادلات نفتی میان چین و عربستان؛ ۲- سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌ها و پتروشیمی؛ که در ذیل به‌تفصیل در این خصوص صحبت می‌شود.

– مبادلات نفتی میان چین و عربستان

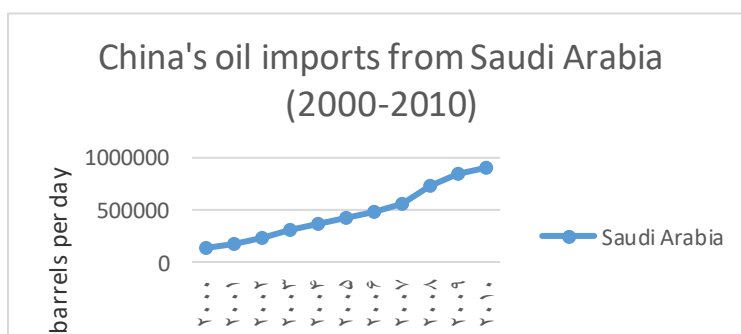
پکن با به‌کارگیری شرکت‌های نفت ملی خود درصدد برقراری روابط و بستن قرارداد با کشورهای حوزه خلیج فارس است؛ اما در این میان، عربستان به دلایل زیادی برای چین اهمیت ویژه‌ای دارد. از جمله آن می‌توان؛ به سابقه عربستان به‌عنوان یک شریک قابل‌اعتماد اشاره نمود؛ همچنین عربستان عضو برجسته اوپک است و نقش مهم و اساسی در اداره قیمت و تأمین انرژی جهان ایفا می‌کند. بدین ترتیب یکی از مؤلفه‌های اصلی در جهت تأمین امنیت انرژی چین، یعنی دستیابی به قیمت معقول و عدم بی‌ثباتی در قیمت انرژی با برقراری روابط گسترده با عربستان امکان‌پذیر خواهد بود.

1. Jiang Zemin

2. Fahd Bin Abdul-Aziz

3. Abdullah Bin Abdul-Aziz

نفت چین از عربستان (۲۰۱۰-۲۰۰۰)



Source: Compiled by author from Scobell and Nader, 2016: 37

مطابق نمودار فوق می‌توان مشاهده کرد که واردات نفت چین از عربستان از حدود ۱۳۵۰۰۰ بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ به ۸۹۵۰۰۰ بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت؛ بنابراین همکاری انرژی چین-عربستان به سرعت رو به افزایش گذاشت (ر.ک. نمودار-۱).

- سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌ها و پتروشیمی

همکاری‌های پکن-ریاض تنها به معاملات نفتی محدود نمی‌شد بلکه همکاری‌های این دو کشور به حوزه‌های دیگری مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پالایشگاه‌ها تسری یافت. از جمله توافقات همکاری و سرمایه‌گذاری که میان پکن-ریاض در حوزه‌های مختلف به امضا رسید عبارت‌اند از:

- ساخت پالایشگاه مشترک در استان شان‌دوگ^۱ توسط شرکت چینی سینوپک^۲ و شرکت سعودی آرامکو^۳ (Calabrese, 2005)؛

- سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلاری برای توسعه کارخانه قدیمی پالایش و پتروشیمی کوانگانگ^۴؛ (The OGJ Online Staff, 2001)

- امضای قراردادی برای تأسیس شرکت پالایش و پتروشیمی فوجیان^۵ توسط آرامکو، اکسون موبیل^۶ و سینوپک (Business Wire, 2004)؛

- امضای قراردادی میان سینوپک و آرامکو برای توسعه یک امتیاز ۳۸۰۰۰ کیلومتری در میدین بلوک B واقع در شمال روب الخلی^۷ (Kawar, The Daily Star, 2004)؛

- امضای توافقنامه مشارکت در نفت، گاز و مواد معدنی و توافق برای ایجاد یک ذخیره استراتژیک ۱۰۰ میلیون تنی نفت خام در استان هاینان^۸ چین (Jianjun Tu, 2006)؛

- توافقنامه سینوپک و سابیک برای سرمایه‌گذاری مشترک به نام شرکت پتروشیمی سینوپک سابیک تیانجین^۱ و امضای یک مجتمع پتروشیمی به ارزش ۲/۷ میلیارد دلار در تیانجین^۲ (Alsudairi, 2012: 22).

1. Shandong

2. Sinopec

3. Aramco

4. Quangan

5. Fujian

6. ExxonMobil

7. Rub AL-khali

8. Hainan

بنابراین چین، با به‌کارگیری سرمایه‌گذاری‌های عظیم در بخش زیرساخت‌های تولید و راه‌اندازی پالایشگاه‌های جدید در صدد دستیابی به موقعیت انحصاری در عربستان بود تا از این طریق به امنیت انرژی دست یابد.

۳- تحریم‌های آمریکا؛ چین و ایران

سیاست‌های به کار گرفته‌شده در عرصه بین‌الملل و روابط سیاسی و دیپلماتیک میان کشورها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر روابط اقتصادی کشورها تأثیر می‌گذارد. درعین‌حال نباید از نقش‌آفرینی دولت‌ها به‌عنوان بازیگری ثالث و قدرتمند در روابط دوجانبه میان دو کشور غافل شد. بدین ترتیب می‌توان به نقش‌آفرینی آمریکا به‌عنوان بازیگری ثالث در روابط میان ایران و سایر کشورها اشاره نمود. آمریکا با به کار بستن تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران و اعمال مجازات و تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌ها و دولت‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با ایران کار می‌کنند؛ بر روابط اقتصادی و تجاری ایران تأثیر می‌گذارد. از سال ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی علیه ایران آغاز شد که از جمله آن می‌توان به تحریم معاملات نفتی، زیرساخت‌های نفتی، اکتشافات و پالایش و پتروشیمی اشاره نمود؛ اما تحریم‌های آمریکا علیه ایران از سال ۲۰۱۰ مصادف با نگرانی‌های کشورهای در مورد عدم اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران تشدید شد و با خروج ترامپ از برجام به اوج خود رسید.

بدین ترتیب، به بررسی تأثیر تحریم‌های آمریکا بر روابط چین و ایران و به تأثیر ثانویه تحریم‌های فوق بر روابط چین و عربستان پرداخته می‌شود. برای تبیین مناسبات چین-ایران و ارزیابی میزان تأثیرگذاری تحریم‌های آمریکا بر روابط پکن-تهران، در ابتدا همکاری‌های اقتصادی این دو کشور پیش از تشدید تحریم‌ها بررسی و در گام بعد به تبیین مناسبات اقتصادی این دو کشور و میزان تأثیرگذاری تحریم‌های آمریکا و به‌تبع آن تغییر الگوی خرید پکن در بازار انرژی پرداخته می‌شود.

نقطه عطف آغاز روابط میان پکن-تهران را می‌توان پس از پایان جنگ سرد و تغییر رویکرد چین مشاهده کرد. صنعتی سازی و رشد سریع اقتصاد در چین سبب افزایش نیاز پکن به انرژی شد. بدین ترتیب، مؤلفه امنیت انرژی سبب گشت تا تجارت دوجانبه پکن با کشورهای دارای منابع انرژی به‌ویژه ایران افزایش یابد؛ به‌گونه‌ای که تجارت دوجانبه میان پکن-تهران از ۳۱۴ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ به ۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۳ افزایش یابد و سیر صعودی روابط این دو کشور در زمینه اقتصادی همچنان به قوت خود باقی ماند به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۰۴ تجارت این دو کشور به بیش از ۷ میلیارد دلار رسید (Gentry, 2005: 114). از این رو دلایلی چندی را می‌توان برای جذابیت این کشور برای چین برشمرد که عبارت‌اند از:

۱- منابع سرشار نفت و گاز ایران؛

۲- روش متفاوت ایران در مدیریت منابع انرژی نسبت به سایر کشورهای خلیج فارس؛

۳- عدم تأثیر آمریکا به‌عنوان رقیب استراتژیک چین؛

1. Sinopec Sabic Tianjin Petrochemical Company (SSTPC)

2. Tianjin

۴- تحریم‌های طولانی‌مدت اعمال‌شده توسط غرب بر روی ایران به‌عنوان اهرم فشار در جهت ممانعت از ورود شرکت‌های نفتی غربی به این کشور و اعمال محدودیت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران (Bagheri).
Dolatabadi & Zarei, 2018: 63, 64)

دولتمردان پکن اغلب به دنبال فرصتی مناسب هستند تا با غفلت دیگر کشورها و یا ترک شرکت‌ها از کشورهای دارای انرژی به دلیل وجود بحران‌هایی همچون تحریم‌های بین‌المللی و... انحصار بازار را به دست آورند؛ بنابراین استراتژی فوق در خصوص تحریم‌های بلندمدت آمریکا فرصتی مناسب برای پکن به وجود آورد. در همین راستا چین، استراتژی سلطه انحصاری را در پیش گرفته و از شرکت‌های دولتی انرژی در این زمینه استفاده کرد. شرکت ملی نفت چین^۱، قوی‌ترین بازوی اجرایی حکومت برای تأمین انرژی در چارچوب دستیابی به مزیت نسبی و به دنبال آن کسب امنیت انرژی بوده؛ از این رو شرکت‌های نفت چین از جمله شرکت ملی نفت چین، شرکت سینوپک و شرکت ملی نفت فلات قاره چین^۲ در پروژه‌های مختلف در حوزه‌های نفت و گاز ایران به ارزش میلیاردها دلار در جهت دستیابی به اهداف مذکور سرمایه‌گذاری کردند (Davis & et al, 2013: 9).

همچنین چین گام‌های مؤثری برای احیای میادین نفتی و گازی ایران و صدور فناوری‌های نفتی برداشت. از اوایل سال ۲۰۰۰ پکن به ایران در نگهداری و بهینه‌سازی سه پالایشگاه نفتی، بهره‌برداری از ذخایر نفتی دریای خزر و توسعه میدان‌های گازی در خلیج فارس کمک کرد ((Miraskari & et al, 2013: 123. علاوه بر آن، تقاضای در حال رشد گاز طبیعی چین؛ دومین راه ارتباطی انرژی با ایران را که حدود ۱۵٪ از ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد؛ فراهم ساخت ((Calabrese, 2006: 9. در سال ۲۰۰۴ چین قراردادی مبنی بر واردات ۱۱۰ میلیون تن ال.ن.جی^۳ با ایران امضا کرد و در سال ۲۰۰۸، شرکت ملی نفت فلات قاره چین توافق‌نامه‌ای در جهت بهره‌برداری از میدان گازی پارس شمال با ایران به امضا رساند (Miraskari & et al, 2013: 123).
(124) حوزه سوم روابط میان پکن-تهران؛ همکاری در بخش سرمایه‌گذاری و فعالیت در بخش پایین دست و بالادست است؛ سینوپک اولین قرارداد حفاری خود با ایران را در آگوست ۲۰۰۰ به امضا رساند. همچنین در اکتبر ۲۰۰۴، شرکت ملی نفت ایران و سینوپک قراردادی برای توسعه میدان نفتی یادآوران امضا کردند و در ژوئن ۲۰۰۶ معامله بین شرکت حفاری شمال ایران و خدمات نفتی چین و یک شرکت تابعه شرکت ملی نفت فلات قاره چین برای مدیریت، تعمیر و نگهداری سکوی نیمه شناور البرز در دریای خزر امضا شد (Calabrese, 2006: 8).
چهارمین زمینه همکاری پکن-تهران، در نوسازی پالایشگاه‌های ایران و تقویت بازیابی نفت صورت پذیرفت؛ سینوپک در سال ۲۰۰۲ یک پروژه بازیافت و استخراج نفت برای افزایش تولید میدان مسجد سلیمان در دست گرفت (Xuanli Liao, 2013: 215). باین وجود در طی سالیان اخیر روابط چین-ایران با فراز و نشیب‌های بسیاری روبه‌رو شد که یکی از عوامل آن را می‌توان اعمال تحریم‌های آمریکا قلمداد نمود. آمریکا با تشدید تحریم علیه ایران به‌ویژه از سال ۲۰۱۱ و با اعمال دستورالعمل اجرایی ۱۳۵۹۰ و از سوی اعمال مجازات و تحریم‌های

1. China National Petroleum Corporation (CNPC)

2. China National Offshore Oil Corporation (CNOOC)

3. LNG

ثانویه علیه شرکت‌ها و دولت‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با ایران کار می‌کنند؛ بر روابط اقتصادی-تجاری ایران تأثیر بسزایی برجای گذاشت.

در ادامه به مواردی چند در خصوص اعمال مجازات‌های آمریکا علیه شرکت‌ها و بانک‌های خا طی چین که برخلاف فرمان‌های اجرایی دولت آمریکا عمل می‌کنند؛ اشاره می‌شود: اعمال مجازات علیه شرکت چینی ژوهای ژن رانگ^۱ به دلیل فروش بنزین به ایران (Downs, 2012: 3)، اعمال مجازات علیه بانک کونلون^۲ به دلیل نقش اساسی بانک مذکور در حمایت از تجارت چین با ایران (Bourse & Bazaar, 2019)، اعمال مجازات علیه شرکت دولتی ژوهای ژن رانگ^۳ به اتهام نقض محدودیت‌های اعمال‌شده برای نفت ایران (Reuters, 2019)، اعمال مجازات علیه شرکت نفتی کونکورد چین با مسئولیت محدود^۴، شرکت کشتی کونلون با مسئولیت محدود^۵، شرکت پگاسوس ۸۸^۶، شرکت کشتیرانی تانکر کاسکو^۷ (Pompeo, Department of State, 2019)؛ از این رو آمریکا با اعمال تحریم‌ها علیه ایران و به‌موازات آن مجازات کشورها و شرکت‌های خا طی سبب گشت تا فرصت ارتباط چین با ایران و دستیابی به منابع انرژی این کشور با محدودیت و مشکلات عدیده‌ای مواجه گردد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از توافق‌نامه‌های امضا شده میان پکن-تهران به حالت تعلیق درآمد و بسیاری از شرکت‌های چینی، نگران از مجازات‌های اعمال‌شده از سوی آمریکا، مجبور به ترک ایران شدند:

- کاهش فعالیت شرکت ملی نفت چین در فاز ۱۱ پارس جنوبی؛ ۱۸ میلیون دلار سرمایه‌گذاری شرکت ملی نفت چین در مقابل تعهد ۴۰۰ میلیون دلاری این شرکت (Downs, 2012: 2).

- چشم‌پوشی شرکت‌های سینوپک، شرکت ملی نفت فلات قاره‌ای و ژن رانگ از معاملات و سرمایه‌گذاری‌های جدید در ایران (Harold & Nader, 2012: 12)؛

- کناره‌گیری شرکت ملی نفت چین از پروژه‌های بزرگی مانند پروژه ۴/۷ میلیارد دلاری توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی (Reuters, 2012)؛

- فسخ پروژه ۲ میلیارد دلاری شرکت سینوهایدرو^۸ چین با همکاری شرکت ایرانی هیدروفاراب^۹ در حوزه انرژی آبی (Sun, The Iran Primer, 2014)؛

- خروج بانک صنعت و تجارت چین از توافق‌نامه تأمین مالی خطوط لوله گاز طبیعی ایران و پاکستان (Richter & Rodriguez, Los Angeles Times, 2012)؛

- قطع رابطه شرکت خطوط کانتینر کشتیرانی چین^{۱۰} و خطوط کشتیرانی کاسکو با ایران (Saul, Reuters, 2013)

1. Zhuhai Zhenrong

2. Kunlun

3. Zhuhai Zhenrong

4. China Concord Petroleum Co Limited

5. Kunlun Shipping Company Limited

6. Pegasus 88 Limited

7. Cosco Shipping Tanker (Dalian) Co.Ltd

8. Sinohydro

9. Hydro Farab

10. China Shipping Container Lines Co (CSCL)

- کاهش فعالیت شرکت ملی نفت چین در راکتور اراک (Jeong-ho, South China Morning Post, 2019)

- توقف واردات نفت از سوی شرکت ملی نفت چین (Vakhshouri, European Council of Foreign Relations, 2018)

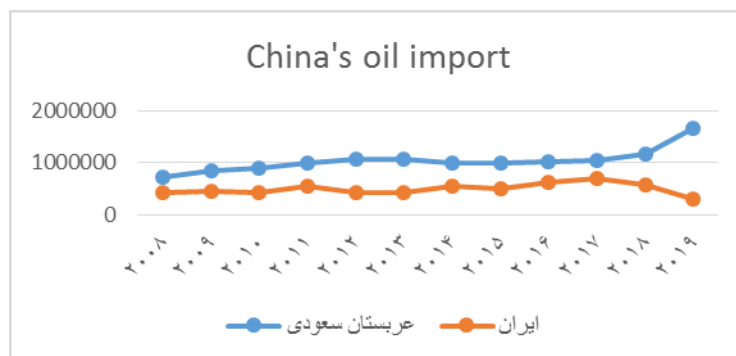
باین‌حال سیاست‌ها و استراتژی‌های به کار گرفته‌شده از سوی پکن برخی از موازنه‌سازی‌های موردنظر آمریکا در زمینه فعالیت اقتصادی چین و ایران را با اختلال روبه‌رو کرد که در این زمینه باید به قرارداد ۲۵ ساله میان ایران و چین که در ۲۷ مارس ۲۰۲۱ به امضا رسید؛ توجه کرد. توافق‌نامه فوق‌رہ‌آوردی ژئوپلیتیک و اقتصادی است که مناسبات و موازنه در منطقه خلیج فارس را به ضرر آمریکا تغییر می‌دهد؛ اما همچنان باید به این نکته اشاره داشت که تحریم‌های آمریکا بر روابط دوجانبه ایران و تبع آن روابط تجاری-اقتصادی کشورهای دیگر از جمله عربستان و چین را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر به‌سزایی برجای گذاشته است که در ادامه به بررسی جنبه‌های مختلفی از پیامدهای تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر روابط اقتصادی چین و عربستان در قالب رویکرد نئومرکانتیلیسم بر پایه امنیت انرژی پرداخته می‌شود.

تشدید تحریم‌های آمریکا؛ اوج‌گیری مبادلات و همکاری‌های اقتصادی چین و عربستان (۲۰۰۹-۲۰۱۹) دیپلماسی انرژی چین در منطقه خلیج فارس به‌ویژه در دو کشور ایران و عربستان با هدف کنترل منابع نفتی و تضعیف موقعیت و جایگاه شرکت‌های انرژی کشورهای رقیب صورت می‌پذیرد تا بتواند در این رقابت پیروز شود. در ادامه مواردی از سیاست نئومرکانتیلیستی چین در قبال دو کشور ایران و عربستان با به‌کارگیری ابزار سرمایه‌گذاری در حوزه پالایشگاه و پتروشیمی، خرید نفت و مبادلات تجاری دوجانبه پرداخته و تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا در مناسبات اقتصادی-تجاری میان کشورهای فوق‌الذکر بررسی می‌شود.

- میزان خرید نفت چین

سیاستمداران پکن، استراتژی نئومرکانتیلیستی را در پیش گرفته و از شرکت‌های چینی در این زمینه استفاده کردند. شرکت‌های ملی نفت چین با حمایت دولت، استراتژی خرید انرژی برای تأمین نفت و گاز را دنبال می‌کنند (Ziegler, 2006: 8). با اعمال تحریم‌ها و مجازات دولت‌ها و شرکت‌های خاطی، به‌وضوح می‌توان تغییر الگوی رفتاری میان چین و ایران را مشاهده کرد. تحریم‌های آمریکا نه‌تنها بر روابط دوجانبه چین و ایران، بلکه به پیشروی چین به‌سوی عربستان در جهت دستیابی به امنیت انرژی تأثیر می‌گذارد.

نمودار ۲- میزان واردات نفت چین از ایران و عربستان (۲۰۰۸-۲۰۱۹)



Source: Compiled by author from Hunkar (2015), EIA (A) (B), Katsoulas (2019)

طبق نمودار فوق می‌توان مشاهده نمود که با به‌کارگیری تحریم‌های شدید از سوی آمریکا و به‌تبع آن مجازات‌های متعدد علیه شرکت‌های چینی و اهمیت بازارهای آمریکایی برای شرکت‌های فوق‌الذکر؛ پکن میزان مبادلات نفتی خود را با ایران به‌ویژه در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ کاهش داد؛ به‌گونه‌ای که میزان مبادلات نفتی میان پکن-تهران در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۱۱، ۲۱٪ کاهش یافت و سیر نزولی مبادلات نفتی همچنان در سال ۲۰۱۳ به قوت خود باقی ماند؛ اما در نقطه مقابل مبادلات نفتی پکن-ریاض سیر صعودی را تجربه کرد؛ به‌گونه‌ای که میزان صادرات نفت عربستان به چین در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۱۱، ۷٪ افزایش یافت. به‌طورکلی می‌توان مشاهده کرد که روابط پکن-ریاض در بیشتر مواقع سیر صعودی را تجربه کرده و آن را می‌توان در سیاست چین برای دستیابی به امنیت انرژی جست‌وجو نمود. این روند با خروج ترامپ از برجام و اعمال دوباره تحریم‌ها سرعت فرایندهای یافته؛ که می‌توان استدلال فوق را در ملاحظات امنیتی و رقابتی چین جست‌وجو نمود. با تشدید تحریم‌ها و اعمال مجازات‌ها علیه دولت‌ها و شرکت‌های خاطی، مناسبات اقتصادی میان چین-ایران و همچنین روابط اقتصادی میان چین-عربستان با تغییر و تحول روبه‌رو شد. شرکت‌های چینی با گسترش مشارکت خود با سایر تأمین‌کنندگان در داخل و خارج از منطقه خلیج فارس درصدد کاهش آسیب‌پذیری در برابر خطرات ناشی از وابستگی به محموله‌های نفتی ایران و محدودیت در عرضه نفت پرداختند و بدین‌جهت برای تأمین امنیت انرژی به‌سوی کشور عربستان شتافتند. به‌موازات اعمال تحریم‌ها، میزان معاملات نفتی چین و ایران سیر نزولی بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد؛ به‌گونه‌ای که میزان مبادلات نفتی میان این دو کشور در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸، ۱۷٪ کاهش یافت و تا جولای ۲۰۱۹ میزان واردات نفت چین از ایران به ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز رسید (Lawler, Reuters, 2019). ازاین‌رو صادرات نفت ایران به چین در میان‌سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، حدود ۵۷٪ کاهش را تجربه کرد؛ اما میزان مبادلات نفتی پکن-ریاض بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، ۵۹٪ افزایش یافت؛ که آن را می‌توان در مؤلفه اساسی «تنوع‌بخشی» نئومرکانتیلیستی چین جست‌وجو نمود (ر.ک. نمودار-۲).

- توافقات همکاری در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف انرژی

پکن بر اساس رویکرد نئومرکانتیلیستی، به ملاحظات امنیتی و رقابتی خود در عرصه بین‌الملل توجه ویژه‌ای دارد و می‌توان متغیر ثانویه یعنی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا را در قالب مؤلفه «ترمیم‌پذیری» ارزیابی و تحلیل نمود. همچنین، «تنوع‌بخشی» به‌عنوان راهبردی مؤثر برای «ترمیم‌پذیری» عرضه انرژی و کاهش احتمال اختلالات موجود در عرصه بین‌الملل از سوی پکن مورد استفاده قرار می‌گیرد. وجود تحریم‌ها و مجازات‌های آمریکا معادلات اقتصادی و تجاری میان پکن-تهران را با اختلالات بسیاری روبه‌رو ساخته و به‌تبع آن روابط دوجانبه چین با عربستان با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو شده است.

ازاین‌رو شرکت‌های بزرگی همچون سینوپک، شرکت ملی نفت فلات قاره‌ای و ژن رانگ در اواخر دهه ۲۰۱۱ نتوانستند تعهدات خود را در قبال ایران را عملی سازند و در نتیجه، مجبور به چشم‌پوشی از معاملات و سرمایه‌گذاری‌های جدید با این کشور شدند ((Harold & Nader, 2012: 12). همچنین، تعهدات شرکت ملی نفت چین در پارس جنوبی به‌شدت کاهش یافت؛ به‌گونه‌ای که از ۴۰۰ میلیون دلار تعهدات خود در یک سال سرپیچی کرده و تنها به هزینه کردن ۱۸ میلیون دلار اکتفا نمود (Downs, 2012: 2)؛ بنابراین، می‌توان سیاست‌های به‌کار گرفته‌شده از سوی چین را دلیلی روشن از تأثیر تحریم‌های آمریکا علیه ایران و مجازات‌های

اعمال شده علیه شرکت‌های خا طی قلمداد نمود؛ اما در نقطه مقابل پکن که به دنبال دستیابی به امنیت انرژی در قالب رویکرد نئومرکانتیلیستی درصدد سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر برای جلوگیری از پیامدهای احتمالی کاهش روابط با ایران شد.

بدین ترتیب با اعمال تحریم‌های جدید از سوی آمریکا در قالب فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ و به تبع آن اعمال مجازات علیه شرکت‌های خا طی از جمله؛ اعمال مجازات از سوی وزارت امور خارجه آمریکا علیه شرکت چینی، ژوهای ژن رانگ به اتهام فروش بنزین به ایران (Downs, 2012: 3)؛ مقامات پکن که منافع خود را در خطر می‌دیدند؛ تصمیم به خروج شرکت ملی نفت خود از قرارداد پارس جنوبی نمود؛ تا میزان مجازات‌ها را کاهش دهند (Xuanli Liao, 2013: 216). به موازات کاهش روابط چین و ایران، روابط اقتصادی و تجاری چین و عربستان گسترش یافت؛ در سال ۲۰۱۲، توافق‌نامه‌ای میان آرامکو و سینوپک برای ساخت یک پالایشگاه در یان بو به امضا رسید (Tamimi, 2012: 5, 6). همچنین در همان سال، سینوپک و آرامکو توافق نمودند که مرحله دوم اکتشافات را در روب الخلی آغاز نمایند (Alsudairi, 2012: 11). طبق توافق‌نامه‌های به امضا رسیده؛ قرار بر آن شد که ساخت دو پالایشگاه دیگر نیز آغاز گردد: یکی در سال ۲۰۱۵ در کائوفیدیان^۱ در نزدیکی تیانجین به وسیله شرکت سینوپک و دیگری، سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت سعودی آرامکو در آنینگ^۲ در جهت فرآوری نفت خام سعودی (Scobell & Nader, 2016: 37) مقامات پکن در راستای سیاست نئومرکانتیلیستی به گسترش سهام در بازار انرژی در قالب امضای قراردادهای سرمایه‌گذاری نفت بین آرامکو و پالایشگاه‌های جدید چینی هنگلی پتروشیمی^۳ و ژجیانگ رونشنگ^۴ مبادرت ورزیدند (Aizhu, Reuters, 2019).

همچنین پکن با عربستان ۵ قرارداد برای تأمین ظرفیت پالایشگاه جدید منعقد ساخت (Vakhshouri, European Council of Foreign Relations, 2018) ۱- امضای تفاهم‌نامه‌ای برای ایجاد یک سرمایه‌گذاری مشترک میان گروه نوریکو^۵ و پانجین سین سن^۶ به منظور توسعه یک مجتمع پالایش و پتروشیمی در شهر پانجین^۷ (Turkes, Anadolu Agency, 2019)؛ ۲- امضای سه تفاهم‌نامه با هدف گسترش حضور عربستان در استان ژجیانگ^۸ (Saudi Aramco, 2019)؛ ۳- امضای توافق‌نامه سرمایه‌گذاری به ارزش ۱۰ میلیارد دلار میان شرکت نفت عربستان و نوریکو و پانجین سین سن با هدف سرمایه‌گذاری در ساخت یک مجتمع پالایش و پتروشیمی در استان لیائونینگ^۹ (Arabian Business, 2019) که قراردادهای فوق را می‌توان نمونه بارزی از سیاست چین در حوزه انرژی برای دستیابی به انحصار بازار انرژی دانست.

1. Caofeida

2. Anning

3. Hengli Petrochemical

4. Zhejiang Ransheng

5. NORICO Group

6. Panjin Sincen Sen

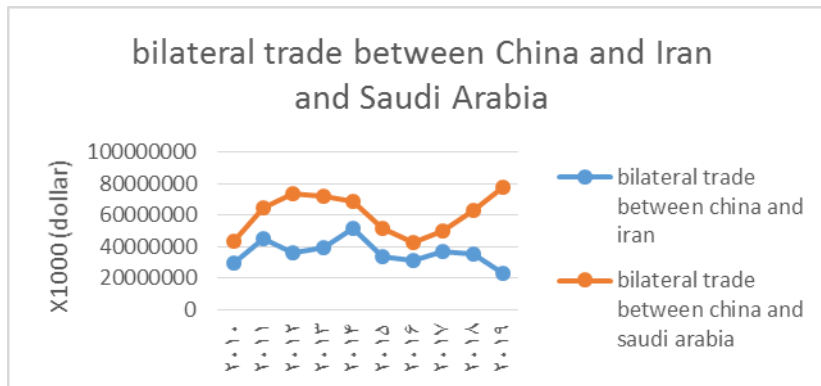
7. Panjin

8. Zhejiang

9. Liaoning

۴- سطح مبادلات اقتصادی و تجاری چین با ایران و عربستان

نمودار ۳- تجارت دوجانبه چین با ایران و عربستان



Source: Compiled by author from Trade Map-International Trade Statistics(A) (B) (C) (D)

طبق نمودار فوق می‌توان به این نکته دست‌یافت که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، تنها بر روی معاملات نفتی تأثیرگذار نبود؛ بلکه به‌طور مستقیم بر روی روابط تجاری میان پکن-تهران نقش‌آفرینی کرد. بدین ترتیب با کاهش مبادلات نفتی پکن-تهران، سیر نزولی مبادلات تجاری میان این دو کشور رخ داد؛ به‌گونه‌ای که از حدود ۳۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به حدود ۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت. در نقطه مقابل نیز مبادلات تجاری دوجانبه میان پکن-ریاض سیر صعودی را تجربه کرد؛ از این‌رو معاملات تجاری میان چین و عربستان از حدود ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به حدود ۶۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت و در سال ۲۰۱۹ مبادلات تجاری سیر صعودی خود را همچنان ادامه داد و ۲۳٪ نسبت به سال ۲۰۱۸ افزایش یافت (ر.ک. نمودار-۳).

درنهایت باید به این نکته توجه داشت که هرگونه تلاش در زمینهٔ معاملات تجاری از سوی پکن، در جهت گسترش ارتباط با عربستان برای دستیابی به امنیت انرژی است؛ زیرا چین به دنبال شریک اقتصادی مطمئنی در این حوزه است.

۵- نتیجه‌گیری

سیاست خارجی گاه متناقض و پیچیده چین را می‌توان انعکاسی از اتکای این کشور بر شریان حیاتی نفت و گاز به‌منظور تداوم رشد و توسعه اقتصادی، قلمداد نمود. هدف اصلی چین از استراتژی توسعه انرژی در خارج از کشور تضمین تنوع واردات نفت، گاز و تحقق مسیرهای امن حمل‌ونقل آن‌هاست. برای دستیابی به این هدف، نیاز است که فراتر از صرف خرید انرژی پیش رفت؛ که این امر ملزم به افزایش فعالیت شرکت‌ها به‌صورت مستقیم در بازارهای بین‌المللی توسعه انرژی و حمل‌ونقل است (Pan, 2008: 65). از این رو می‌توان استراتژی نئومرکانتیلیسم چین را به‌وضوح در سیاست خارجی این کشور در قبال کشورهای نفت‌خیز، از جمله ایران و عربستان مشاهده کرد. مناسبات سیاسی و تجاری پکن-تهران به‌موازات اعمال تحریم‌های شدید آمریکا با تحول روبه‌رو شد. نظام تحریمی آمریکا سبب گشت مؤلفه «قابل‌اعتماد بودن» به‌عنوان شاخص اصلی نظریه نئومرکانتیلیسم با اختلال مواجه گردد. مقامات پکن با به‌کارگیری شاخص‌های این استراتژی، از جمله حضور شرکت‌های خصوصی نفت چین و بستن قراردادهای در حوزه مبادلات نفت و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حوزه پالایشگاه‌ها درصدد دستیابی به انحصار بازار انرژی در عربستان بوده تا به شاخص «قابل‌اعتماد بودن» دست یابد. چین در چارچوب نگاه نئومرکانتیلیستی به دنبال بهره‌گیری از استراتژی تنوع‌بخشی برای دستیابی به اهداف خود است. مقامات پکن همواره سیاست‌های نئومرکانتیلیستی را در کشورهای حوزه خلیج‌فارس به اجرا گذاشته و روابط خود با کشورهای این منطقه به‌ویژه ایران و عربستان را بر اساس استراتژی مذکور پایه‌ریزی می‌کنند؛ بنابراین، لغو و یا برقراری دوباره تحریم‌های آمریکا تأثیر مستقیمی بر روابط چین و ایران و همچنین تأثیر غیرمستقیمی در روابط پکن با سایر کشورها در عرصه بین‌الملل برجای می‌گذارد.

درنهایت می‌توان به این نتیجه رسید که نظام تحریمی آمریکا سبب گشت تا کشوری مانند ایران که دارای موقعیت ژئوپلیتیک فوق‌العاده و ذخایر نفت وافر است؛ در بازار انرژی نقش تأثیرگذار پیشین خود را از دست داده و از بازیگری فعال به بازیگری منفعل مبدل گردد. خلاصه به وجود آمده در بازار انرژی به دلیل منزوی شدن ایران، سبب شد تا چین به دنبال شریکی قابل‌اعتماد باشد؛ تا بحران‌های به وجود آمده را با استفاده از استراتژی «تنوع‌بخشی» منابع پاسخ دهد. از این رو می‌توان مشاهده کرد که چین به‌سوی عربستان، رقیب ایران در حوزه انرژی گام‌های مؤثر برمی‌دارد؛ علاوه بر آن چین درصدد آن است تا با ایجاد شریکی مطمئن در این منطقه قدرت خود را در مقابل آمریکا که این منطقه را حوزه نفوذ خود می‌داند؛ افزایش دهد. همچنین باید به تغییر مناسبات ریاض-واشنگتن توجه کرد؛ با ورود نفت شیل^۱ آمریکا به بازارهای انرژی؛ آمریکا خود به بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی مبدل گشته؛ که این امر مناسبات عربستان و آمریکا را مبتنی بر مناسبات انرژی-امنیت سازی با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است. از این رو، عربستان به دنبال شریکی مناسب؛ چین را با آغوشی باز می‌پذیرد. بدین ترتیب، تحریم‌های آمریکا علیه ایران و همچنین خلاصه موجود در بازار انرژی عربستان این فرصت را برای پکن در جهت

^۱. Shale oil

دستیابی به امنیت انرژی به وجود آورده است؛ اما این بدین معنا نیست که روابط اقتصادی پکن-تهران بر پایه سیاست کنترل آمریکا شکل گیرد؛ بلکه چین در تلاش است تا با به‌کارگیری رویکرد نئومرکانتیلیستی مناسب با محدودیت‌های آمریکا در قالب «کنترل چین» مقابله و تلاش‌های آمریکا را در جهت جلوگیری از نفوذ پکن خنثی نماید. از این منظر چین به دنبال آن خواهد بود که روابط انرژی خود را با هر دو کشور ایران و عربستان را گسترش دهد. همان‌گونه که بیان شد تحریم‌های آمریکا علیه ایران مانعی در این مسیر است و از این نظر سیاست چین درصدد خواهد بود که ضمن کاهش هزینه‌ی تقابل با آمریکا، روابط انرژی خود با ایران را به هر شکل حفظ کند. چین با امضای قرارداد ۲۵ ساله با ایران در تلاش است تا جلوی سیاست‌های هژمونی سیاسی و اقتصادی آمریکا را بگیرد؛ بنابراین پکن درصدد آن است تا با استفاده از توافقنامه نفتی با ایران و گسترش روابط خود با عربستان به‌جای اینکه در جنوب شرق آسیا با ایالات‌متحده رقابت کند؛ توان خود را برای رقابت با ایالات‌متحده در منطقه خلیج‌فارس بسیج نماید. بحث در خصوص رویکرد جدید چین که در قالب قرارداد ۲۵ ساله ظهور یافته از بحث این مقاله خارج است و تنها اشاره کوتاهی به این موضوع شده است.

منابع

- اسمیت، روی، الانیس، عماد و فاراندس، کریستوفر، (۲۰۱۱)، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل در سده بیست و یکم*، ترجمه امیر احمد حاجی یوسفی و دکتر روح‌الله طالبی آرانی، تهران: نشر مخاطب.
- ملکی، عباس، (۱۳۹۶)، *امنیت انرژی*، تهران: دنیای اقتصاد.
- موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، (۱۳۹۵)، *امنیت انرژی و آینده بازار جهانی انرژی (سناریو پردازی بر مبنای استراتژی بازیگران اصلی بازار انرژی)*، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- میر ترابی، سعید و ترکی، هادی، (۱۳۹۸)، «ابتکار احیای جاده ابریشم چین در تکاپوی تأمین امنیت انرژی و توسعه صادرات»، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۲(۲)، ۴۲۶-۴۵۱.
- Aizhu, C. (2019). "China's March Iran oil imports fall from year ago, Saudi supplies surge", e.d. Christian Schmollinger, Reuters, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-china-economy-trade-oil/chinas-march-iran-oil-imports-fall-from-year-ago-saudi-supplies-surge-idUSKCN1S113Q>, see: 18-6-2020.
- Alsudairi, M. T. (2012). "Sino-Saudi Relations: An Economic History", *Gulf Research Center*, 1-37.
- Arabian Business (2019). "Saudi Aramco agrees Chinese JV deal for \$10bn refinery", Available at: <https://www.arabianbusiness.com/energy/413815-saudi-aramco-agrees-chinese-jv-deal-for-10bn-refinery>, see: 18-6-2020.
- Bagheri Dolatabadi, A., & Zarei, R. (2018). "The Future of Iran-China Relations: An Alliance or Pure Cooperation", *Comparative Politics Russia*, 9(1), DOI: 10.18611/2221-3279-2018-9-1-60-73, 60-73.
- Bourse & Bazaar (2019). "Concern in Iran over China Commerce as Trump Gets Trade Deal", Available at: <https://www.bourseandbazaar.com/articles/2020/1/29/concern-in-iran-over-china-trade-following-us-trade-deal>, see: 11-7-2020.
- Business Wire (2004). "Sinopec, ExxonMobil, Saudi Aramco and Fujian Petrochemical Sign Agreements to Progress Fujian Manufacturing and Marketing Projects", Available at: <https://www.businesswire.com/news/home/20040825005700/en/Sinopec-Exxon-Mobil-Saudi-Aramco-Fujian-Petrochemical-Sign>, see: 15-6-2020.
- Calabrese, J. (2005). "Saudi Arabia and China Extend Ties Beyond Oil", *China Brief*, 5(20).
- Calabrese, J. (2006). "China and Iran: Partners Perfectly Mismatched", *Middle East Institute*, 1-19.
- Consulate-General of the People's Republic of China in Jeddah (November 26, 2004), "China and Saudi Arabia", Available at: <http://jeddah.china-consulate.org/eng/zsgx/t172060.htm>, see: 15-6-2020.
- Davis, M., Lecky, J., Froscher, T., Chen, D., Kerevel, A., & Schlaikjer, S. (2012). *China-Iran: A limited partnership*. US-China Economic and Security Review Commission.
- Downs, E. (2012). "Cooperating with China on Iran", *The German Marshall Fund of the United States*, 1-5.
- EIA, (2020). Available at: <https://www.eia.gov/todayinenergy/detail.php?id=34812>, see: 27-7-2020. -EIA, (B), Available at: <https://www.eia.gov/todayinenergy/detail.php?id=43216>, see: 27-7-2020.
- Fulton, J. (2016), "China's Relations with the Arab Gulf Monarchies: Three Case Studies", PhD Philosophy, University of Leicester, Leicester.
- Gentry, J.B (2005). "The Dragon and the Magi: Burgeoning Sino- Iranian Relations in the 21st Century", *The china and Eurasia forum Quarterly*, 3(3), 111-125.

- Harold, S., & Nader, A. (2012). *China and Iran: Economic, Political and Military Relations*, In China and Iran, Santa Monica: Rand Corporation.
- Hunkar, D. (2015). "Chinese Crude Oil Imports by Country", Top Foreign Stocks, Available at: <https://topforeignstocks.com/2015/02/18/chinese-crude-oil-imports-by-country/>, see: 27-7-2020.
- Inan, S. (2005). "Goeconomic Policies for Regional Development: Turkey as a Catalyst for Eastern Europe", *Ekonomika*, 30-45.
- Jeong-ho, L. (2019). "China scales back Iran nuclear cooperation 'due to fears of US sanctions'", South China Morning Post, Available at: <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/2184512/china-scales-back-iran-nuclear-cooperation-due-fears-us>, see: 21-7-2020.
- Jianjun Tu, K. (2006). "The Strategic Considerations of the Sino-Saudi Oil Deal", *China Brief*, 6(4).
- Katsoulas, F. (2019). "Crude Oil Trade: Iran after the end of waivers", IHS Markit, Available at: <https://ihsmarkit.com/research-analysis/crude-oil-trade-iran-after-the-end-of-waivers.html>, see: 27-7-2020.
- Kawar, S. (2004). "Award for Saudi gas projects heralds new era", The Daily Star, Available: <http://www.dailystar.com.lb/Business/Middle-East/2004/Feb-05/62487-award-for-saudi-gas-projects-heralds-new-era.ashx>, see: 15-6-2020.
- Lawler, A. (2019). "Hit by sanctions and rising tensions, Iran's oil exports slide in July", Reuters, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-oil-iran-exports/hit-by-sanctions-and-rising-tensions-irans-oil-exports-slide-in-july-idUSKCN1U1UD>, see: 18-6-2020.
- Lewis, S. W. (2002). "China's Oil Diplomacy and Relations with the Middle East", *The James A. Baker III Institute for Public Policy of Rice University*, 1-21.
- MacGillivray, I (2018), "Maturing Sino-Saudi strategic relations and changing dynamics in the Gulf", *Global Change, Peace & Security*, DOI: 10.1080/14781158.2018.1475350, 61-80.
- Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China (2020), "Visit by President Jiang Zemin to Six Countries in Europe, Africa and Asia", Available at: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/ziliao_665539/3602_665543/3604_665547/t18049.shtml, see: 29-6-2020.
- Miraskari, S. R., Tayebi, S. K., & Vaez Barzani, M. (2013). "An Analysis of International Outsourcing in Iran-China Trade Relations", *Journal of Money and Economy*, 8(1), 109-139.
- Pan, G. (2008). "China's Energy Strategy and Primary Role of the Middle East in This Strategy", *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, 2(2), 62-72.
- Pompeo, M. R. (2019). "The United States Imposes Sanctions on Chinese Companies for Transporting Iranian Oil. U.S.", Department of State, Available at: <https://www.state.gov/the-united-states-imposes-sanctions-on-chinese-companies-for-transporting-iranian-oil>, see: 4-8-2020.
- Rasmussen, F. E. (2017). "China's Changing Energy Diplomacy: A Source of Increased Economic Interdependence of a Continuation of Neo-Mercantilism", Master's Thesis, Social Sciences Aalborg University, Aalborg.
- Reuters (2012), "China pulls out of South Pars project", Available at: <https://www.reuters.com/article/iranchina-southpars-idUSL6E8IT0T020120729>, see: 11-7-2020.
- Reuters (2019). "China continued Iran oil imports in July in teeth of U.S. sanctions: analysts", Available at: <https://www.reuters.com/article/us-china-iran-oil/china-continued-iran>

- oil-imports-in-july-in-teeth-of-u-s-sanctions-analysts-idUSKCN1UY11S, see: 18-6-2020.
- Richter, P., & Rodriguez, A. (2012). "Chinese bank pulls out of Pakistan-Iran pipeline project", Los Angeles Times, Available at: <https://www.latimes.com/world/la-xpm-2012-mar-14-la-fg-pakistan-china-pipeline-20120315-story.html>, see: 4-8-2020.
- Saudi Aramco (2019). "Saudi Aramco signs agreements to acquire stake in Zhejiang Integrated Refining & Petrochemical Complex", Available at: <https://www.aramco.com/en/news-media/news/2019/saudi-aramco-signs-agreements-to-acquire-stake-in-zhejiang>, see: 20-6-2020.
- Saul, J. (2013). "Chinese firms drop Iran as latest U.S. sanctions bite", Reuters, Available at: <https://www.reuters.com/article/iran-shipping/chinese-firms-drop-iran-as-latest-u-s-sanctions-bite-idUSL5N0F43CH20130701>, see: 4-8-2020.
- Scobell, A., & Nader, A. (2016). *China in the Middle East: The Wary Dragon*, Santa Monica: Rand Cooperation.
- Sun, Y. (2014). "Iran and Asia 1: China Is The Quiet Giant", The Iran Primer, Available at: <https://iranprimer.usip.org/blog/2014/jan/29/iran-and-asia-1-china-quiet-giant>, see: 19-7-2020.
- Tamimi, N. (2012). "China- Saudi Arabia Relations Economic Partnerships or Strategic Alliance?", HH Sheikh Nasser al-Mohammad al –*Sabah Publication Series*, 2, 1-19.
- The OGJ Online Staff (2001). "Sinopec, ExxonMobil, Aramco plan Chinese petrochemical project", Oil & Gas Journal, Available at: <https://www.ogj.com/refining-processing/article/17261263/sinopec-exxonmobil-aramco-plan-chinese-petrochemical-project>, see: 6-7-2020.
- Trade Map-International Trade Statistics (2020). (A), Available at: https://www.trademap.org/Bilateral_TS.aspx?nvpm=1%7c156%7c%7c682%7c%7cTOTAL%7c%7c%7c2%7c1%7c1%7c1%7c2%7c1%7c1%7c1%7c1%7c1, see: 29-7-2020.
- Trade Map-International Trade Statistics (2020). (B), Available at: https://www.trademap.org/Bilateral_TS.aspx?nvpm=1%7c156%7c%7c682%7c%7cTOTAL%7c%7c%7c2%7c1%7c1%7c2%7c2%7c1%7c1%7c1%7c1%7c1, see: 29-7-2020.
- Trade Map-International Trade Statistics (2020). (C), Available at: https://www.trademap.org/Bilateral_TS.aspx?nvpm=1%7c156%7c%7c364%7c%7cTOTAL%7c%7c%7c2%7c1%7c1%7c1%7c2%7c1%7c1%7c1%7c1%7c1, see: 29-7-2020.
- Trade Map-International Trade Statistics (2020). (D), Available at: https://www.trademap.org/Bilateral_TS.aspx?nvpm=1%7c156%7c%7c364%7c%7cTOTAL%7c%7c%7c2%7c1%7c1%7c2%7c2%7c1%7c1%7c1%7c1%7c1, see: 29-7-2020.
- Turkes, H. (2019). "Saudi Aramco to co-build \$10B refinery in China", Anadolu Agency, Available at: <https://www.aa.com.tr/en/energy/general/saudi-aramco-to-co-build-10b-refinery-in-china/23587>. see: 18-6-2020.
- Vakhshouri, S. (2018), "Iran oil exports: 8 waivers and the OPEC meeting", European Council of Foreign Relations, Available at: https://www.ecfr.eu/article/commentary_iran_oil_exports_8_waivers_and_the_opec_meeting, see: 30-7-2020.
- Veebel, V. (2015). "Baltic Pathways from Liberal Trade Model to Neo-Mercantilism in the European Union", *Managing Global Transitions*, 13(3), 213-229.
- Xuanli Liao, J. (2013). "China's Energy Diplomacy and Its "Peaceful Rise" Ambition: The Cases of Sudan and Iran", *Asian Journal of Peacebuilding*, 1(2), 197-225.
- Ziegler, C (2006). "The Energy Factor in China's Foreign Policy", *Journal of China's Political Science*, 1-23.
- Ziegler, Ch. E., & Menon, R. (2014). "Neomercantilism and Great-Power Energy Competition in Central Asia and the Caspian", *Strategic Studies Quarterly*, 17-41.

US Sanctions against Iran and its Impact on China-Saudi Arabia Oil Cooperation (2009-2019)

S. Ali Monavari¹, Shirin Haddad Zand²

Received:2021/03/26

Accepted:2021/07/23

Abstract

China's expansionist policies have increased the country's need for energy resources and increased oil and gas imports from around the world, especially from the Persian Gulf. This has drawn China's attention to the two main pillars of energy supply in the Persian Gulf: Iran and Saudi Arabia. However, China-Saudi Arabia and China-Iran's energy relations have had many ups and downs and the main reason can be found in the political issues and specific issues of the region, including the special relations between these two countries with the United States. This research seeks to answer the question of how U.S. sanctions against Iran in 2009-2019 have affected China and Saudi Arabia's oil cooperation. In response to this hypothesis, an explanatory method is used to examine that U.S. sanctions against Iran, by reducing the opportunities for China-Iran's energy cooperation, have led to the expansion of China –Saudi Arabia's oil cooperation in 2009-2019. This research concludes that the U.S. sanctions system isolated the powerful Iran in the economic field and created a golden opportunity for China and Saudi Arabia to strengthen their economic relations, especially energy relations.

Keywords: U.S. Sanctions, China, Saudi Arabia, Iran, Oil Cooperation

¹ . Assistant Professor of International Relations, Kharazmi University (s.a.monavari@gmail.com)

² . Master of Science Degree in International Relations, Kharazmi University (sh.haddad75@gmail.com)